یادداشت روز

تلاش مضحک قطره‌ها برای تحریم سرچشمه

پس از برگزاری خوب و موفق جشنواره تئاتر فجر در روزهای گذشته، این روزها چهل‌ویکمین جشنواره فیلم فجر با استقبال خوب مردم، رسانه‌ها و بخش زیادی از اهالی سینما در حال برگزاری است. از ویژگی‌های مثبت این جشنواره افزایش فیلم‌های شرکت‌کننده و راه‌یافته به بخش رقابتی نسبت به سال قبل و حضور چهره‌های جوان و بروز استعدادهای جدید است که می‌تواند نویدبخش تزریق خونی تازه به حوزه مهم و اثرگذار سینمای کشورمان باشد.

جشنواره این دوره اما در اتفاقی نادر چند روز یا چند هفته زودتر از آغاز خود با اکران نمایش رقت‌انگیز عده‌ای از روزی خوران دور از منطق سینما کلید خورده بود. نمایشی که به‌دلیل ضعف در سناریو و باورناپذیری روایت شدیداً مستحق دریافت تمشک طلایی است.

ماجرای این نمایش که باید دید کارگردان، تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار اصلی آن چه کسانی و در کجای این جهان هستند، تلاش برای به راه انداختن جریان تحریم جشنواره فیلم فجر بود. برداشت اول در جریان تولید فیلم‌ها در ماه‌های اخیر بود که هجمه شدید و ارعاب و تهدید برخی جریانات دیکتاتور خصلت مدعی آزادی نثار کسانی شد که حاضر به همراهی با جریان تحریم جشنواره نشدند. در ادامه و در پلانی دیگر در روزهای گذشته چند نفری که در یک فیلم حاضر در جشنواره بازی کرده یا موسیقی فلان فیلم را تنظیم و اجرا کرده بودند و طبیعتاً در قبال کارشان کلی هم دستمزد به جیب زده‌اند، به بهانه نخ‌نمای گلایه از آنچه شرایط اخیر کشور نامیده‌اند و ترجمه سلیس آن نمی‌تواند چیزی جز حمایت از اغتشاشات ناکام ماه‌های اخیر باشد اعلام کردند که حضور فیلم‌هایی که آنها در ساخت آن به‌عنوان بازیگر و... نقش داشته‌اند در جشنواره فیلم فجر مورد تاییدشان نیست و باید جشنواره تحریم شود.

گذشته از اینکه ایجاد چنین حواشی عجیبی هیچ سنخیتی با فضای نشأت‌گرفته از هنر و روح و تفکر یک هنرمند ندارد، این نوع موضع‌گیری‌ها با ابتدایی‌ترین اصول کار حرفه‌ای نیز در تضاد است. اینکه یک بازیگر در یک پروژه سینمایی که کارگردان و تهیه‌کننده و مالکی دارد شرکت کند و در قبال کارش دستمزد بگیرد اما به خود اجازه دهد برای آن پروژه تعیین تکلیف یا ایجاد حاشیه نماید، تنها از کسانی بر می‌آید که با رفتارشان فریاد می‌زنند علی‌رغم قراردادها و ادا و اطوارهای آنچنانی، هنوز فرسنگ‌ها با حرفه‌ای شدن فاصله دارند.

برخی گفته‌اند حضورشان در فیلم‌های حاضر در جشنواره مربوط به قبل از اتفاقات اخیر کشور بوده است و به‌دلیل حوادث ماه‌های گذشته جشنواره را تحریم کرده‌اند، این دوستان زرنگ سینمای ایران اما نمی‌گویند که اولاً اگر واقعاً از فیلم شرکت‌کننده در جشنواره ابراز برائت می‌کنند، چرا دستمزد دریافتی از این پروژه را بازنمی‌گردانند؟ یعنی این پروژه‌ها همه چیزشان بد و ناخوشایند شده الا پول‌شان؟ دوم اینکه شفاف و روشن بیان کنند در شرایطی که شرکت در جشنواره سالانه و بین‌المللی فیلم فجر هدف بسیاری از کارگردانان و تهیه‌کنندگان و عوامل بخش‌های مختلف سینمای کشورمان است و سال‌هاست شاهد حضور فعال و رقابت تنگاتنگ اهالی سینما در این رویداد معتبر بوده‌ایم، این تحریم‌کنندگان کم‌شمار از این به بعد در فیلم‌هایی که قصد شرکت در جشنواره فیلم فجر را داشته باشند نقش‌آفرینی می‌کنند یا خیر؟ فکر نمی‌کنند با این رفتار و اجرای خواسته یا ناخواسته سناریوی از پیش باخته تحمیلی از اتاق‌های فکری که نه دلسوز کشور و نه دلسوز اهالی هنر هستند خود بیشتر از همه آسیب می‌بینند؟

این افراد که این روزها حتماً برپایی پرشور جشنواره فجر و حضور و استقبال مردم و شرکت استعدادهای نوپا، باانگیزه و خلاق که آینده سینمای این کشور هستند در این رویداد فرهنگی هنری را می‌بینند، آیا از خود پرسیده‌اند که اساساً تحریم چنین جشنواره ریشه‌دار و مورد اقبالی شدنی است؟ البته نباید فراموش کرد که در سال‌های گذشته در بین اهالی متعدد سینما بسته به میزان فعالیت بازیگران، کارگردانان و عوامل مختلف این عرصه در سال منتهی به جشنواره گاه برخی افراد با یک یا چند پروژه در جشنواره حاضر بودند و برخی دیگر از چهره‌ها شاید در آن سال و حتی یکی دو سال قبل‌تر بنا به شرایط حرفه‌ای و دلایل و سلیقه خود در پروژه‌ای نقش‌آفرینی نکرده و طبیعتاً در جشنواره حاضر نبودند، بنابراین همواره در سال‌ها و دوره‌های گذشته، عده‌ای از اهالی سینما در جشنواره حاضر و عده زیادی غایب بوده‌اند و تکرار این روند مرسوم و حاضر نبودن بخش‌هایی از جامعه فعالان سینما در جشنواره امسال را نمی‌توان به تحریم مرتبط دانست.

گذشته از اینها، کسانی که غافل از خواب شوم دشمنان این مردم که برای تمامیت ارضی کشور در اغتشاشات اخیر دیده بودند این روزها به بهانه محاکمه و مجازات عده‌ای قاتل و آشوبگر مسلح که طی ماه‌های گذشته گلوی مامور پلیس می‌دریدند یا مدافعان امنیت را ناجوانمردانه شکنجه کرده و با سنگ و قمه یا اسلحه گرم به شهادت می‌رساندند؛ به خیال خود جشنواره فجر را تحریم کرده‌اند باید به این سؤال پاسخ دهند که چرا طی این سال‌ها با وجود اثبات انواع جنایت‌ها و خباثت‌های آمریکا و اروپا علیه مردم ایران، هیچ‌گاه حاضر نشدند جشنواره‌های برگزار شده توسط این کشورها را تحریم کنند؟ آیا از مشارکت آلمان در تجهیز عراق به سلاح‌های شیمیایی به کار برده شده علیه مردم و رزمندگان ایرانی بی‌خبرند که باز هم در جشنواره فیلم برلین شرکت می‌کنند؟ آیا از خباثت فرانسه علاوه‌بر تجهیز عراق به بمب‌افکن‌های پیشرفته برای بمباران شهرهای ایران یا ارسال خون‌های آلوده به ایدز به کشورمان یا حتی سرکوب وحشیانه معترضان فرانسوی در سال‌ها و روزهای اخیر خبر دارند و باز هم برای خوش رقصی روی فرش قرمز جشنواره کن از هم سبقت می‌گیرند؟ آیا از جنایت‌های مختلف جنگی، اقتصادی و تحریم‌های ناجوانمردانه و زورگویانه آمریکا علیه مردم ایران که حتی بیماران سرطانی و کودکان معصوم و مظلوم پروانه‌ای را قربانی کرده است مطلعند و باز برای شرکت در جشنواره بین‌المللی فیلم آمریکا یا گرفتن ویزا و اقامت این کشور سر از پا نمی‌شناسند و حتی تصویر پاسپورت آمریکایی خود را نیز به نمایش می‌گذارند؟

اینها که با تعداد کم اما سرو صدای زیاد خود را به دروغ نماینده جامعه سینمایی کشور جا می‌زنند و با اجرای سناریوی از پیش مردود تحریم جشنواره به قصد زدن ضربه به نظام جمهوری اسلامی بیشتر خود را منزوی کرده‌اند، بهتر است در خلوت خود یا در محافلشان صادقانه به این موضوع فکر کنند که اگر حمایت‌های جمهوری اسلامی از هنر و زمینه‌سازی‌های نظام برای رشد و گسترش سینما نبود این دوستان اکنون به توفیقات امروزشان می‌رسیدند؟ آیا می‌توانند رشد کیفی و کمی صنعت سینما و شکوفایی استعدادها (نه برای گرم کردن محافل حرام و باطل و پر کردن چشم‌های هرزه به رسم پیش از انقلاب) از طریق دانشگاه‌ها و موسسات مختلف و سرمایه‌گذاری صداوسیما و نهادهای مختلف انقلابی در دوران بیش از چهار دهه عمر جمهوری اسلامی را در مقایسه با دوران طاغوت نادیده بگیرند؟

وقتی امام راحل در ابتدای انقلاب فرمودند «ما با سینما مخالف نیستیم بلکه با فحشا مخالفیم»، مسیر رشد و اصلاح سینما در کشور کلید خورد و زنان و دختران و جوانان علاقه‌مند به هنر و سینما از سرنوشت تلخ و محتوم ترسیم شده در زمان پهلوی که نهایت آن افتادن در دام انحطاط و فساد بود نجات یافتند و به عزت متکی به هنر و حفظ پاکی و بروز شکوفایی استعداد خود در سایه انقلاب اسلامی رسیدند که در سینمای جهان بی‌نظیر است. به راستی این فضای سالم (که در سال‌های اخیر جریانی خزنده سلامت آن را نشانه گرفته است) و این محمل مناسب برای رشد و شکوفایی که حتی سخاوتمندانه دختر مهاجر اما ناسپاس کشور همسایه را نیز در برگرفته کجا قابل دسترس است؟

در کدام کشور رهبر عالی و بزرگ‌ترین چهره سیاسی و مذهبی، علاوه‌بر حمایت‌های مشفقانه از اهالی رشته‌های مختلف هنری، جلسات گفت‌وگو و نشست و برخاست صمیمانه با اهالی سینما برگزار می‌کند؟ کدام کشور به غیر از ایران در جشنواره ملی خود به فیلم‌های حاوی سیاه‌نمایی و منتقدانه علیه ارکان خود جایزه می‌دهد؟

با نگاهی به عملکرد جمهوری اسلامی متوجه می‌شویم که همواره اراده نظام حفظ همه چهره‌های هنری و... و بهره‌مندی از توانایی و استعداد آنها برای خدمت به مردم و کشور بوده است مگر آنکه عده‌ای خود برای خروج از این چتر حمایتی و یا برای پشت کردن به کشور و مردم اصرار داشته باشند.

در عین حال نباید فراموش کرد در کشوری با این همه استعداد و نوجوانان و جوانان باهوش، توانمند، خلاق، بزرگ‌اندیش و وجود پتانسیل‌های انسانی انباشته و بی‌نظیر در حوزه‌های مختلف علمی، فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی و... تحریم کردن‌های این چنینی که در حاشیه جشنواره فجر شاهدش بودیم بیش از آنکه برای کشور تهدیدکننده یا آسیب‌رسان باشد که نیست، برای خود این افراد که بر محدود کردن فعالیت و حذف خود از ویترین و دایره سرویس‌دهی سخاوتمندانه نظام اصرار دارند خسارت‌زا خواهد بود.

کشوری که همچون سرچشمه جوشنده استعدادهاست با کناره‌گیری چند نفر، مستاصل نمی‌شود همان‌طور که جوانان کم سن و سال آن در جنگ تحمیلی بدون هیچ آموزش و دوره تخصصی بزرگ‌ترین ژنرال‌های بعثی مورد حمایت غرب و شرق را به خاک ذلت نشاندند و جوانان خلاق آن با دست خالی و در سایه سخت‌ترین تحریم‌ها به قله‌های علوم مختلف رسیدند. تحریم سرچشمه‌ای چنین جوشان و پربرکت از سوی چند قطره آب که همه اعتبار، ثروت و جایگاه خود را مدیون سخاوت این سرچشمه هستند بیش از آنکه نگران‌کننده باشد، نویدبخش باز شدن بیشتر فضا برای جوشش و بروز استعدادهای جدید است. در همین جشنواره امسال تئاتر و فیلم فجر، جوانان با انگیزه و توانایی پا به عرصه نهاده‌اند که با کمی حمایت و میدان دادن می‌توانند سال‌ها به مردم و هنر این سرزمین خدمت کنند. تجربه‌ای که سال‌هاست با استعدادیابی در جشنواره مردمی عمار به اثبات رسیده است.

حرف آخر اینکه، کاش مسئولان و متولیان فرهنگی به‌جای تکرار اشتباه گذشته در دادن این همه تریبون و سرویس و معافیت‌های مالیاتی و... و توجه بیش از ظرفیت به افراد ناسپاس، به هنرمندان واقعی و مردمی که معیار مردمی بودنشان آدرس‌های غلط بی‌بی‌سی و اینترنشنال نیست و چهره‌هایی که به احترام مردم و با قدردانی از نظام و انقلاب و با وجود هجمه دیکتاتورهای خفه‌کننده آزادی، از گذشته تاکنون متواضعانه و بدون چشمداشت چراغ جشنواره فجر و هنر و فرهنگ کشور را روشن نگه داشته‌اند بیشتر توجه کنند.

عباس شمسعلی

رئیس‌جمهور کوبا در دیدار امیرعبداللهیان:

مصمم به همکاری با کشورهای دوست هستیم

حسین امیر عبداللهیان در سومین مقصد سفرش به آمریکای لاتین و پس از حضور در نیکاراگوئه و ونزوئلا و رایزنی با مقامات این دو کشور برای دیدار با مقامات عالی‌رتبه کوبا به هاوانا رفت.

حسین امیر عبداللهیان روز شنبه به وقت محلی در جریان سفر به کوبا، در دیدار با «میگل دیاز کانل» رئیس‌جمهور این کشور، در مورد مسائل دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی رایزنی کرد.

وی در این دیدار با اشاره به روابط تاریخی و دوستانه ایران و کوبا و مرور بر روابط دوجانبه، بر اراده جمهوری اسلامی ایران برای تقویت و توسعه همکاری‌های فیمابین تاکید کرد.

امیرعبداللهیان همچنین در این دیدار از همکاری کوبا در تولید انواع واکسن مشترک در ایران قدردانی کرد.

رئیس دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در ادامه ضمن ابراز خرسندی از سطح همکاری‌ها در موضوعات بین‌المللی، حمایت قاطع ایران از کوبا و محکومیت تحریم‌ها و مداخله خارجی در این کشور را مورد تاکید قرار داد.

رئیس‌جمهور کوبا: دولت آمریکا فقط به منافع خود می‌اندیشد

دیاز کانل رئیس‌جمهور کوبا نیز در این دیدار با تمجید از تاریخ و فرهنگ کشورمان، پیشرفت‌ها و دستاوردهای علمی و فنی ایران در سایه تحریم‌ها را ستودنی دانست و بر علاقه‌مندی خود به افزایش تماس‌ها و مراودات فیمابین تاکید کرد.

وی تحولات منطقه آمریکای لاتین و جهان را واجد فرصت‌های نوینی برای تقویت چندجانبه‌گرایی دانست و افزود: کوبا به‌رغم فشارها مصمم به همکاری با کشورهای دوست و رفع موانع و چالش‌های پیش رو می‌باشد. رئیس‌جمهور کوبا افزود: دولت آمریکا فقط به منافع خود می‌اندیشد و ارزشی برای دیگران قائل نیست. ما استقلال سیاسی خود را به بهای سنگینی به‌دست آورده ایم و آن را حفظ خواهیم کرد. طرفین در این دیدار بر توسعه همکاری‌های پزشکی، دارویی، تجهیزات پزشکی و واکسن تاکید کردند. در ادامه وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در دیدار با «برونو رودریگز» وزیر امور خارجه کوبا آخرین تحولات روابط دوکشور در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی را مورد گفت‌وگو و تبادل‌نظر قرار داد.

حسین امیر عبداللهیان در این دیدار روابط ایران و کوبا را مبتنی بر پایه‌های محکم و متین تاریخی دانست. وی افزود: در عرصه مناسبات سیاسی، روابط ایران و کوبا در عالی‌ترین سطح خود برقرار بوده و هر دو کشور در مسیر حفظ استقلال و مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی دارای نگاه و اهداف مشترک هستند.

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، وقایع مداخله گرایانه خارجی در امور داخلی کوبا و ترغیب آمریکا به ایجاد اغتشاش در کوبا، در ۱۱ جولای ۲۰۲۲ را مجددا محکوم کرد و افزود: آمریکا و برخی کشورهای غربی سیاست همزمان اعمال تحریم و مداخله از طریق بروز و تشویق اغتشاشات در کشورهای مستقل را دنبال می‌کنند.

«برونو رودریگز» وزیر امور خارجه کوبا نیز در این دیدار روابط با جمهوری اسلامی ایران را یک اولویت برای کوبا دانست و تحریم‌های یکجانبه و همچنین مداخلات خارجی در امور داخلی کشورها را محکوم کرد و مراتب قدردانی خود و دولت کوبا از مواضع جمهوری اسلامی ایران در حمایت از کوبا را بیان داشت. استمرار همکاری دو کشور در مجامع بین‌المللی و تبادل هیئت‌های سطوح عالی بین دو کشور از دیگر موضوعات مورد گفت‌وگو و تبادل نظر بین وزرای امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و کوبا در این دیدار بود. امیرعبداللهیان در آخرین دیدار بخش پایانی سفر خود به آمریکای لاتین، شنبه شب در هاوانا با ریکاردو کابریساس روئیس معاون نخست‌وزیر کوبا دیدار و آخرین تحولات روابط دو کشور خصوصا در حوزه روابط اقتصادی را مورد گفت‌وگو و تبادل نظر قرار داد.

وزیر امور خارجه کشورمان در این دیدار با اشاره به دیدگاه مقامات عالیه جمهوری اسلامی ایران در زمینه تاکید بر روابط گسترده فی‌مابین دو کشور برای ارتقای حوزه اقتصادی مناسبات به سطح بخش سیاسی روابط، به تشریح دیدگاه کشورمان درخصوص نگاه به یک‌جانبه‌گرایی به‌عنوان مسیری خاتمه یافته در صحنه تحولات جهانی پرداخت.

ریکاردو کابریساس روئیس معاون نخست‌وزیر کوبا نیز در این دیدار وضعیت موجود در حوزه روابط اقتصادی دو کشور را تشریح و در زمینه راه‌های ارتقای مناسبات اقتصادی به بیان نقطه نظرات خود پرداخت.

به جای گفت و شنود

اگر زینب نبود...

امروز با سالروز شهادت پیام‌آور کربلا، حضرت زینب کبری سلام‌الله علیها همزمان است. دختر فداکار، دانشمند و شجاع امیرالمومنین علی علیه‌السلام. بانوی بزرگواری که اجازه نداد حماسه خونبار کربلا در کربلا بماند و در تاریکخانه تاریخ به فراموشی سپرده شود. زینب کبری می‌دانست و مامور ابلاغ این پیام به همه نسل‌ها بود که کربلا سرزمینی است به وسعت همه سرزمین‌ها و عاشورا روزی است به درازای همه روزها... امروز به همین مناسبت ستون گفت و شنود را به‌گونه‌ای دیگر می‌نگاریم و به سروده‌ای از شاعر متعهد کشورمان جناب آقای قادر طهماسبی اختصاص می‌دهیم. سروده‌ای زیبا در بیان و گویا در محتوا...

سِرّ نی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود
کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود
چهره سرخ حقیقت بعد از آن توفان رنگ
پشت ابری از ریا می‌ماند اگر زینب نبود
چشمه فریاد مظلومیت لب تشنگان
در کویر تفته جا می‌ماند اگر زینب نبود
زخمه زخمی‌ترین فریاد در چنگ سکوت
از طراز نغمه وا می‌ماند اگر زینب نبود
در طلوع داغ اصغر استخوان اشک سرخ
در گلوی چشم‌ها می‌ماند اگر زینب نبود
ذوالجناح دادخواهی بی‌سوار و بی‌لگام
در بیابان‌ها رها می‌ماند اگر زینب نبود
در عبور بستر تاریخ، سیل انقلاب
پشت کوه فتنه جا می‌ماند اگر زینب نبود

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر
سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۳۲۳ - ۳۰۰۰۷۱۹۳۲

* هم رضا شاه و هم پسرش محمدرضا ادعای ملی‌گرایی داشتند در حالی که هر دو در طول سلطنت ننگین خود بخش‌هایی از این سرزمین را به بیگانگان بخشیدند که آخرین آن جزیره استراتژیک بحرین استان چهاردهم ایران در سال ۵۱ بود. ولی با انقلاب اسلامی حاصل ملی‌گرایی واقعی این شد که به رغم تحمیل جنگ ۸ ساله یک وجب از خاک کشور به دشمن واگذار نشد و مضاف برآن در طول این سالها در عرصه‌های مختلف پیشرفت کردیم و محصولات پیشرفته یکی پس از دیگری رونمایی می‌شوند.

فراهانی

* آمریکای جنایتکار در برخورد با جمهوری اسلامی از هر آنچه که در توان دارد دریغ نمی‌ورزد. هر دو حزبش هم این‌گونه‌اند. آن‌ها در صدد تصویب طرحی به نام «مهسا امینی» هستند که بر اساس آن، مقامات بلندپایه کشورمان و دفاترشان را در تمام کشورها تحریم نمایند. با همه این اوصاف در کشورمان احزاب غربگرایی داریم که به مجیزگویی این شیاطین مشغولند و از مسئولین می‌خواهند امتیاز بدهند و کدخدای آنان را راضی کنند!

نوروزی

* با معرفی ۲۴ فیلم بخش مسابقه جشنواره فجر مشخص شد که تحریم این جشنواره بار دیگر شکست خورد. برحسب شنیده‌ها کیفیت آثار رسیده به این دوره جشنواره هم نسبت به دوره‌های گذشته بالاتر است اگرچه ممکن است مثل هر دوره چند فیلم ضعیف و غیرقابل تماشا نیز وجود داشته باشد که طبیعی است.

مهریزی

* سپاهیان عزیز! گستاخی ضدانقلابیون وابسته به صهیونیست‌ها درعملیات ناکام ریزپرنده‌ها در اصفهان اگر بی‌پاسخ بماند آنان را گستاخ می‌کند. همان‌گونه که وعده داده‌اید و آقا فرمودند زمان بزن دررو تمام شده و به این گستاخی بدون فوت وقت پاسخی پشیمان‌کننده داده شود.

نیک‌نام

* ترور شهید سلیمانی در سال ۹۸ اگرچه اقدامی هدفمند از سوی آمریکا برای به تأخیر انداختن هژمونی جریان مقاومت در منطقه غرب آسیا بود ولی بی‌خبر از همه‌جا در این جنایت هم اشتباه محاسباتی آنان عاملی برای سرعت گرفتن افول آمریکا شد و امروز دشمن قسم خورده انقلاب متوجه شده خطر شهادت سردار سلیمانی از خود سلیمانی برای او بیشتر است.

نوری

* یکی از خیانت‌های مهم رژیم پهلوی انتقال سرمایه کشور به خارج بود. طبق برآوردها رقم این سرقت بزرگ و تاریخی از ملت ایران ده‌ها میلیارد دلار است و باید به کشور بازگردانده شود. مسئولین امر نباید نسبت به این مهم بی‌تفاوت باشند.

حسنوند

* آمریکایی‌ها از یک طرف می‌گویند برجام در دستور کار ما نیست ولی از سوی دیگر پیغام می‌فرستند که مذاکرات ادامه داشته باشد. معلوم می‌شود که تصمیم دارند به هر طریقی شده سیاست شیطانی خود را پیش ببرند.

دهقانی

* با گذشت تنها ۲۷ روز از سال جدید میلادی پلیس آمریکا هشتادمین شهروندش را در کف خیابان با مشت و لگد کشت. صرفاً به خاطر اینکه به او ظنین شده بودند. به براندازان عرض می‌کنم اگر ذره‌ای از عقل و انصاف برخوردارید بگویید اگر این حادثه در کشور ما رخ می‌داد رسانه‌های استکبار چگونه مغز شماها را برای مقابله با پلیس خدمتگزار شست وشو می‌دادند و شما چگونه با پلیس برخورد می‌کردید؟ شما کسانی هستید که پس از مرگ طبیعی مهسا‌امینی در پمپاژ ۴۵ هزار دروغ با دشمنان ملت همراهی کردید.

غلامحسینی

* نخست‌وزیر مستاصل رژیم سفاک صهیونیستی با حملات نسنجیده به فلسطینی‌ها، موجودیت این رژیم را با خطر جدی روبه‌رو کرده و با این روند اعراب چند صد میلیونی را به مقابله با خود وا داشته است و روند نابودی و محو این رژیم را تسریع خواهد کرد. ان‌شاءالله

طبیب

* باز هم شاهد کشف تعداد دیگری از گور دسته‌جمعی در کشور کانادا هستیم که کودکان بومی این کشور در آنها دفن شده‌اند. انسان وقتی در کشورهای غربی با کوهی از جمجمه‌ها و استخوان‌های به ناحق کشته شده مواجه می‌شود از پررویی این جماعت مدعی حقوق بشر حیرت‌زده می‌شود.

رشیدی

* اگر به فرض محال کشف گورهای دسته‌جمعی افراد بومی به جای کانادا و آمریکا در کشوری مثل ایران اتفاق افتاده بود صدها قطعنامه علیه ایران صادر می‌شد ولی حال که در یکی از کشورهای غربی رقم خورده خبری از حقوق بشر نیست. با این سیاست‌های ظالمانه و فریبکارانه غرب و غربی‌ها چه باید کرد و به کجا باید شکایت برد؟

جلیلی

*پس از کشف پی درپی این گورهای دسته‌جمعی در غرب اگر سران خائن‌شان کمی عقل و شعور داشتند می‌بایست لال می‌شدند و با این افتضاحاتی که در قتل‌عام حتی ملت خودشان گوی سبقت را از هم ربوده‌اند دیگر دم از حقوق بشر نمی‌زدند.

نعیمی

* رسانه‌های دنیا بازهم خبر از کشف دست‌کم تعداد ۶۶ گور دست‌جمعی جدید در محوطه یک مدرسه سابق شبانه‌روزی کودکان بومی در یکی از استان‌های کشور کانادا داده‌اند این واقعه نمادی از تاریخ خشونت‌بار تمدن پوشالی غرب است که برای فریب افکار عمومی شعار حقوق بشر سر می‌دهد.

منصوری

* امیدوارم وزرای آموزش و پرورش، بهداشت و دیگر متولیان فرهنگی کشور توصیه‌ها و نقشه راهنمای حضرت امام خامنه‌ای به اجلاس نماز را در محیط‌های آموزشی عملیاتی نمایند و صرفاً به چند بنر تبلیغاتی اکتفا ننمایند.

نظری

* آقای سیدحسن خمینی راه‌حل جامعه را گفت‌وگو می‌داند. اما نگفته با کی؟ با آمریکا یا مواجب‌بگیران و مزدوران داخلی او؟ دولت و ملت که با هم در حال گفت‌وگو و تعامل هستند. این حقیقت در سفرهای استانی اخیر دولت به یزد و... علی‌رغم همه سختی‌های اقتصادی مثل خورشید می‌درخشد! دولت، خدمتگزار مردم است و مردم دوستدار دولت. خصومت مردم فقط با استکبار جهانی و دنباله‌روهای داخلی آن است.

زرشقایی

* روزنامه‌های زنجیره‌ای چه نسبتی با رژیم صهیونیستی دارند که هیچ اشاره‌ای به هلاکت ۹ تن از صهیونیست‌ها توسط یک جوان ۲۱ ساله فلسطینی نکردند؟! ببخشید. یادم آمد که نخست‌وزیر خبیث این رژیم کودک‌کش آنها را بزرگ‌ترین سرمایه خود در ایران تلقی کرده بود!

قاضوی

* با توجه به سرما و یخبندان در شهرستان خوی همزمان با زلزله اخیر از مسئولین و مردم استان آذربایجان غربی درخواست می‌شود هم‌وطنانی را که به منازل‌شان آسیب رسیده و امکان سکونت از آنها سلب شده را دریابند و به کمک بسیجیان و هلال احمر و مسئولین شهرستان در اسکان و تغذیه و... آنها بشتابند.

افشاری

* به جوانان عزیز عرض می‌کنم دین‌تان را از قرآن و اهل‌بیت بگیرید نه هر فرد ظاهرالصلاحی. افراد در گذر زمان ممکن است تغییر کنند همان‌گونه که در این فتنه‌ها دیده‌ایم. ولی قرآن و اهل‌بیت و ولایت تغییرناپذیرند، صراط مستقیم‌اند. عده‌ای که غرب قبله آمال‌شان است چگونه می‌خواهند دین و دنیا و آخرت‌شان را با خط‌کش آنها تراز کنند؟

شوکتی

* سیاست‌های ارزی بانک مرکزی برای کنترل بازار و ثبات قیمت‌ها در یک بازه زمان بیشتر جواب خواهد داد. متاسفانه بعضی‌ها با استفاده از این فضا راه‌حل را توافق با خارج به هر قیمت می‌دانند و ادعای ضعف تیم اقتصادی دولت را دارند.

شاپوری

* ناراحت‌کننده است که می‌شنویم در کشور همسایه یعنی افغانستان دختران علاقه‌مند به تحصیل از ترس طالبان در کلاس‌های مخفی حضور پیدا می‌کنند. متاسفانه طالبان با تفکراتی که دارد هم برای مردم خود و هم برای دیگر کشورها مشکل سازشده است.

هاتفی

چرایی واکنش منفعل آمریکا
پیرامون حمله ناموفق در اصفهان به روایت تحلیلگر صهیونیست

تحلیلگر روزنامه صهیونیستی «اسرائیل هیوم» در یادداشتی علت موضع منفعل آمریکا در قبال حمله ناموفق به مجتمع کارگاهی وزارت دفاع در اصفهان را هراس از پاسخ ایران و باز گذاشتن باب مذاکره با تهران دانست.

با گذشت بیش از یک هفته از حمله ناموفق به یک مجتمع کارگاهی وزارت دفاع در اصفهان، واکنش‌ها در رسانه‌های رژیم صهیونیستی به این مسئله که گفته می‌شود، نشانه‌های اولیه حاکی از دخالت آن در این حمله است، ادامه دارد.

وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، صبح روز یکشنبه (نهم بهمن)، به دنبال انفجار در یکی از مجتمع‌های کارگاهی این وزارتخانه در اصفهان اعلام کرد: «شامگاه هشتم بهمن ۱۴۰۱ حوالی ساعت ۲۳:۳۰ حمله ناموفق با استفاده از ریزپرنده به یکی از مجتمع‌های کارگاهی وزارت دفاع صورت گرفت و خوشبختانه با پیش‌بینی‌ها و تمهیدات پدافندی صورت گرفته یکی از آنها مورد اصابت پدافند هوایی مجتمع و دو فروند دیگر آنها در تله‌های پدافندی گرفتار و منفجر شدند.»

به دنبال انتشار این خبر، جریانی رسانه‌ای ایجاد شد تا این عملیات شکست‌خورده را به موفقیتی بزرگ و چشمگیر بدل کنند. ابتدا شبکه سعودی الحدث مدعی شد این حمله توسط نیروی هوایی آمریکا و یک کشور دیگر غیر از رژیم سعودی انجام شده است. اما ساعاتی بعد، از سوی خبرگزاری رویترز به نقل از سخنگوی پنتاگون اعلام کرد که آمریکا در این حمله نقشی نداشته است. در این رابطه یک مقام آمریکایی نیز به خبرنگار شبکه صهیونیستی کان گفت که هیچ نیروی نظامی آمریکا حمله یا عملیاتی در داخل ایران انجام نداده است.

بعد از ادعای مطرح شده از سوی الحدث، روزنامه صهیونیستی جروزالم پست در گزارشی، ضمن ادعای «حمله پهپادی» در اصفهان، این حمله تروریستی شکست‌خورده را به نقل از ترکیبی از منابع اطلاعاتی غربی و منابع خارجی، «موفقیت فوق‌العاده» خواند! حال آنکه پس از زمانی کوتاه انتشار تصاویر ماهواره‌ای از مجتمع کارگاهی مذکور نشان داد که تنها آسیبی جزئی به سقف ساختمان وارد شده است.

در ادامه پس از گذشت چندساعت از انتشار گزارش جروزالم‌پست، روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال در گزارشی متناقض با ادعاهای این رسانه‌ها، به نقل از مقامات آمریکایی، رژیم موقت صهیونیستی و موساد را پشت حمله شکست‌خورده به مجتمع‌های کارگاهی وزارت دفاع ایران دانست.

حال با گذشت بیش از یک هفته از انتشار این اخبار، «یوآو لیمور» تحلیلگر صهیونیست در یادداشتی که در روزنامه «اسرائیل هیوم» منتشر شد، اقدام آمریکا در برعهده نگرفتن مسئولیت این عملیات ناکام را منطقی و معقول می‌خواند و می‌نویسد: «منطقی است که بگوییم آمریکایی‌ها علی‌رغم سلب مسئولیت خود، از طریق انتشار اطلاعاتی در وال استریت ژورنال از این حمله [در اصفهان] غافلگیر نشدند. این امر نشان دهنده ترس آنها از واکنش متقابل ایران (علیه نیروهایشان در عراق) است و شاید هم بخواهند درها را برای گفت‌وگو در مورد توافق هسته‌ای باز نگه دارند.»

وی می‌افزاید: «با این فرض که اسرائیل واقعاً پشت این حمله باشد، این نخستین عملیاتی است که در دوره دولت جدید نتانیاهو انجام می‌شود. در گذشته، موساد تحت هدایت «یوسی کوهن» رئیس‌سابق آن، یک سیاست عملیاتی تهاجمی را علیه ایران رهبری می‌کرد و به نظر می‌رسد جانشین او، «دیوید بارنیا» نیز می‌خواهد همین مسیر را ادامه دهد»

در ادامه این یادداشت آمده است: «هدف از این حملات تنها ایجاد اخلال و مانع‌تراشی در مسیر حرکت ایران نیست، بلکه ایجاد بازدارندگی نیز هست. طبیعی است که اصطکاک بین دو کشور را نیز افزایش می‌دهد و به همین دلیل نیز در تهران صداهایی برای انتقام از اسرائیل در پاسخ به این حمله شنیده می‌شود.» لذا باید اسرائیل برای ضدحمله آماده باشد.

به گزارش فارس، لیمور بر بالابردن سطح آماده‌باش رژیم صهیونیستی از بیم پاسخ ایران تاکید دارد و این امر جدیدی نیست. چه آنکه رسانه‌های صهیونیستی از همان روز نخست افشای نقش احتمالی موساد در این حمله ناکام، از بالا رفتن سطح آماده‌باش در فلسطین اشغالی خبر دادند.

شبکه «کان» نیز پیشتر در این خصوص اعلام کرده بود: «طی روزهای اخیر، مناقشه‌ای در نهادهای امنیتی و نظامی درخصوص زمان انتقام‌گیری ایران در جریان بوده است.»

خبر ویژه

نشریه هندی: پهپادهای ایرانی میدان نبرد نوین را تغییر دادند

نشریه هندی در گزارشی نوشت: برنامه پهپادی ایران در میانه تحریم‌های شدید، یک موفقیت به شمار می‌آید.

نهش الکس فلیپ در نشریه هندی «پرینت» نوشت: یازده ماه پس از حمله روسیه به اوکراین، دولت بایدن در تلاش است تا از ارسال پهپادهای ایران به مسکو جلوگیری کند، این مسئله پس از آن اولویت پیدا کرد که شاهد میزان ویرانی پهپادهای شاهد-۱۳۶ ایرانی- معروف به «موتور چمن‌زن» یا «موپد»- در اوکراین بودند. جنگ نشان داد که چگونه پهپادهای ارزان‌قیمت، به‌ویژه پهپادهایی مانند شاهد-۱۳۶ ساخت ایران، با قابلیت‌های دقیق حمله خود، میدان نبرد مدرن را تغییر دادند.

به گزارش «انتخاب»، در ادامه این مطلب آمده است: این اولین‌بار نیست که پهپادها حملات دقیق انجام می‌دهند. قابلیت حمله دقیق همواره مورد توجه ارتش بوده است. اما رسیدن به آن هزینه زیادی دارد. به‌عنوان مثال، مهمات هدایت‌شونده دقیق ۸ درصد از کل مهمات مورد استفاده نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده را علیه رژیم صدام حسین در جنگ اول خلیج‌فارس (۱۹۹۱) تشکیل می‌دادند. اما سهم آنها در هزینه مهمات استفاده شده توسط ائتلاف به رهبری ایالات متحده تقریباً ۸۴ درصد بود.

به گفته اندیشکده امنیت و امور بین‌الملل رویال یونایتد (RUSI) یکی از تسلیحات دقیق آمریکا، موشک کروز مادون‌صوت تاماهاوک با وزن ۱۳۰۰ کیلوگرم است که قیمت هر عدد آن حدود ۲ میلیون دلار است. اندیشکده کارنگی می‌گوید پهپاد شاهد-۱۳۶ ایران اگرچه ارزان است، اما قابلیت‌های مهمی از جمله توانایی فرار از رادار و عملیات تا برد ۱۵۰۰ مایلی را دارد. در مقام مقایسه، پهپادهای یکبارمصرف سوئیچ بلید اوکراین که توسط ایالات متحده عرضه می‌شود، تنها در برد ۲۵ مایلی عمل می‌کنند.

موفقیت برنامه پهپاد ایران در مواجهه با تحریم‌های سنگین، الگویی برای نهادهای دفاعی و امنیتی هند، به‌ویژه سازمان تحقیق و توسعه دفاعی (DRDO) است که دهه‌هاست برنامه پهپادی گسترده‌ای دارد. حسابرس کل هند (CAG) در سال ۲۰۲۰ برنامه پهپاد DRDO را به‌دلیل برنامه‌ریزی ضعیف، عدم آگاهی‌رسانی دقیق به کاربران نهایی و زیر پا گذاشتن رویه‌های عملیاتی استاندارد مورد انتقاد قرار داد.

ایران که از سوی غرب منزوی شده، می‌گوید که پهپادهایی با توانایی حمل موشک‌های هدایت‌شونده دقیق در برد عظیم ۲۰۰۰ کیلومتر، علاوه‌بر استقامت پرواز بیش از ۲۴ ساعت و قابلیت‌های رادارگریز دارد. سازمان غیرانتفاعی اتحاد علیه ایران هسته‌ای (UANI) مستقر در ایالات متحده می‌گوید در حالی که توانایی‌های فنی تهران اغلب برای اهداف تبلیغاتی اغراق‌آمیز است، اما موفقیت برنامه پهپادی آن نماد پیروزی فناوری در جمهوری اسلامی است.

واشنگتن روابط نظامی و دیپلماتیک خود با تهران را پس از انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ قطع کرد که منجر به سرنگونی شاه مورد حمایت ایالات متحده و متعاقب آن تأسیس جمهوری اسلامی ایران شد. برنامه پهپادهای ایرانی از دهه ۱۹۸۰ آغاز شد و پیشرفت کرد. این برنامه به‌دنبال بهبود قابلیت‌های اطلاعاتی، نظارتی و شناسایی ناوگان خود و به میدان آوردن پهپادهایی است که قادر به انجام حملات هوایی هستند. UANI می‌گوید ایران در دهه گذشته از سامانه‌های پهپادی جدید متعددی رونمایی کرده است که بسیاری از آنها در جنگ مورد استفاده قرار گرفته‌اند و پیشرفت‌های تهران را در فضای پهپاد نشان می‌دهند. تمرکز تهران بر پهپادها زمانی به وجود آمد که به‌دنبال راه‌هایی برای نظارت کشتی‌ها در خلیج‌فارس بود. سپاه در سال ۱۹۸۵ شرکت صنعت هوانوردی قدس را به‌عنوان شاخه‌ای از سازمان خودکفایی خود راه‌اندازی کرد. در اواخر همان سال، اولین پهپاد خود به نام مهاجر-۱ را آزمایش کرد که مفید بودن خود را در طول جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) نشان داد.

با شروع دهه ۱۹۹۰، ایران چندین نوع جدید از مهاجر را توسعه داد که آخرین آنها، مهاجر-۶ است. هر یک از این نسخه‌ها، علاوه‌بر قابلیت‌های ضربه دقیق‌تر، برد و استقامت پرواز را افزایش می‌داد. در اواسط دهه ۲۰۰۰، ایران نیز تمرکز خود را بر ساخت پهپادهای تهاجمی تغییر داد و اکنون مجموعه کاملی از این پهپادها را در اختیار دارد.

کرار که در سال ۲۰۱۰ رونمایی شد، اولین پهپاد تهاجمی از این دست بود. رسانه دولتی ایران در آن زمان اعلام کرد که «قابلیت‌های متفاوتی از جمله حمل بمب برای انهدام اهداف» دارد و می‌تواند برای «بردهای دور با سرعت بالا» پرواز کند. دو سال بعد، در سپتامبر ۲۰۱۲، ایران از شاهد-۱۲۹ رونمایی کرد که گام مهمی در تلاش‌های تهران برای توسعه یک پهپاد با قابلیت حمله بود.

در دسامبر سال گذشته، دولت بایدن یک کارگروه بزرگ راه‌اندازی کرد تا بررسی کند که چگونه قطعات ساخته شده در غرب، از جمله میکروالکترونیک‌های ساخت آمریکا، به هواپیماهای بدون سرنشین ایرانی راه یافته‌اند. گزارش نیویورک‌تایمز حاکی از آن است که کاخ‌سفید پس از انتشار عکس‌هایی از مدار پهپادهای سرنگون‌شده ایرانی در اوکراین- که به وضوح مملو از تراشه‌های تولیدشده توسط شرکت‌های مستقر در ایالات متحده بود، با تولیدکنندگان آمریکایی آنها تماس گرفته است.

تقریباً همه تولیدکنندگان پاسخ مشابهی داشتند: تراشه‌ها نامحدود هستند، اقلام «دو کاربرد» و ردیابی یا توقف گردش آنها تقریبا غیرممکن است. منابع امنیتی خارج از کشور خاطرنشان می‌کنند که ایران بر هنر فعالیت در شرایط تحریم مسلط شده است. ایران برای پهپادها و سایر برنامه‌های نظامی خود، موفق شده قطعات خارجی مانند موتور را از دلالان تسلیحات یا از طریق شرکت‌هایی که قطعات مورد نیاز را تامین می‌کردند، دریافت کند.

همدردی روزنامه زنجیره‌ای با اپوزیسیون سرشکسته در اغتشاشات

یکی از افراطیون مدعی اصلاحات می‌گوید میراث اعتماد به نفس در انقلاب، آب شده و می‌رفت در اغتشاشات اخیر احیا شود که از سوی نظام سد شد(!)

روزنامه اعتماد به قلم عباس عبدی نوشت: اگر از من بپرسید که مهم‌ترین میراث انقلاب برای مردم ایران چه بود؟ خواهم گفت که ایجاد اعتماد به نفس. این ویژگی رکن اساسی نه فقط آن انقلاب که هر حرکت و جنبش اجتماعی است. اصولا بدون وجود اعتماد به نفس نمی‌توان در حرکت‌های اجتماعی سازنده مشارکت کرد و حضور داشت. مگر آنکه این جنبش‌ها کور و بی‌معنا شوند و حرکت‌های کور پیش از آنکه ناشی از امید به آینده و کنشگرانه باشند، ناشی از استیصال و یأس و ناامیدی از آینده خواهد بود.

اعتماد به نفس در عین حال که بسیار مهم و جزو ضروری برای پیشرفت است، باید با نوعی عقلانیت و واقع‌گرایی همراه باشد، در غیر این صورت خیلی سریع به در بسته خواهد خورد و این موجب شکسته شدن اعتماد به نفس می‌شود و ناامیدی و فقدان اعتماد به نفس جانشین آن خواهد شد...

با شعارهای بی‌محتوا نمی‌توان این جریان را ایجاد کرد. اینکه بگوییم «ما می‌توانیم» و پیاپی آن را تکرار کنیم، کافی نیست. اگر من بگویم که می‌توانم وزنه ۲۰۰ کیلویی را بزنم، نه تنها اعتماد به نفس مفید ایجاد نمی‌کند، بلکه موجب استهزای دیگران هم می‌شوم. امید به آینده باید مبتنی بر شواهد و قرائن عقلانی باشد. اینکه بگوییم «آینده را برای اقتصاد، سفره مردم و معیشت بسیار روشن می‌بینیم»، یا داریم پیشرفت می‌کنیم، برای ایجاد اعتماد به نفس کفایت نمی‌کند. این ادعاها باید مبتنی بر شواهد روشن و برنامه قابل دفاع از طرف نخبگان باشد. سیاست‌ها باید علمی و پذیرفتنی باشند.

واقعیت این است به عنوان کسی که در سال ۱۳۵۷، دانشجویی ۲۲ ساله بوده‌ام و حس و حال مردم را در آن دوره به یاد دارم باید بگویم که مهم‌ترین سرمایه و میراث این انقلاب که ایجاد اعتماد به نفس نزد مردم و جوانان بود، اکنون چون برف در تابستان سوزان آب و تبخیر شده است. حرکت اعتراضی اخیر نیز که می‌رفت این اعتماد به نفس را زنده کند با سدهایی مواجه شد که شاید حکومت ایجاد این سدها را موفقیت بداند، ولی اصلا چنین نیست، چون ناامیدی را در جامعه رواج می‌دهد. تجربه مواجهه من با افراد این است که خاموش شدن اعتماد به نفس آنان ناشی از فقدان چشم‌انداز نسبت به آینده است. این یک عارضه مهم اجتماعی است بیش از آنکه فردی باشد. دود این وضعیت به چشم کلیت جامعه و حکومت خواهد رفت... به هراندازه که می‌بینیم نگاه به خارج و منجی بیگانه، تقویت می‌شود، آشکارا متوجه می‌شویم که از مهم‌ترین دستاورد آن انقلاب فاصله گرفته‌ایم. این یعنی میراثی که هزینه نابخردی‌ها شده است».

روشن است که نویسنده روزنامه اعتماد، خود را به تجاهل زده وگرنه انقلاب ریشه‌دار اسلامی با ده‌ها سال عقبه و ۴۴ سال پایداری و بالندگی- با وجود همه دشمنی‌ها- را با آشوب‌افکنی ناکام و شکست خورده دشمن مقایسه نمی‌کرد.

انقلاب اسلامی در حالی به پیروزی رسید که آمریکا، رژیم پهلوی را جزیره ثبات و ژاندارم خود در منطقه معرفی می‌کرد و محکم (از کنار انگلیس و اسرائیل و برخی دولت‌های عربی) در کنار سرکوب‌های رژیم شاه ایستاده بود. با این وجود ملت ایران، سد آمریکا و غرب و رژیم دست‌نشانده را شکست، همان‌گونه که در جنگ شهامت نشان داد و در فتنه‌های دو دهه اخیر، صلابت و درایت و قاطعیت به خرج داد و بساط نقشه‌های پیچیده و سرویس‌های جاسوسی غرب را برچید. همان ملتی که انقلاب کرد، به قدر کافی بالندگی و رشد یافتگی داشت که دست دشمن را پشت فتنه‌هایی مانند فتنه ۸۸ و فتنه امسال ببیند، مرزبندی کند، به گروهک‌ها و پادوهای دشمن پهلو ندهد و در عین حال در تجمعات باشکوه و کم‌نظیر، برنامه پیچیده دشمن را زیر پا بگذارد.

ایستادگی و پیشرفت همین ملت بود که موجب شد مقامات آمریکایی اعتراف کنند فشار حداکثری، علیه ایران، شکست فاحشی خورده است و همان‌ها اعتراف دارند که با وجود همه کارشکنی‌ها، ایران به پیشرفت‌های مهمی در حوزه پزشکی، بهداشت و درمان، فضایی، فناوری نانو، سدسازی، نیروگاه‌سازی، پالایشگاه‌سازی و گسترش دیپلماسی و تجارت خارجی، توانمندی‌های دفاعی و نظامی دست یافته است.

اما در ماجرای اغتشاشات اخیر،روشن است که اعتماد به نفس توهمی بانیان آشوب آسیب بزرگی خورد؛ کسانی که ادعا می‌کردند انقلاب ایران، ۴۴ سالگی خود را نمی‌بیند و در مقابل آمریکا، غرب و گروهک‌های برانداز تسلیم می‌شود،حالا اعتراف به سرخوردگی می‌کنند. آمریکا و اروپا پالس مذاکره می‌فرستند و می‌گویند نمی‌شود معطل اپوزیسیون ناتوان ماند،و فعالان اپوزیسیون از چشم کارفرمایان غربی خود افتاده‌اند صراحتاً ابراز نگرانی می‌کنند و عجیب است که روزنامه آقای حضرتی و نویسنده بدسابقه آن، با دولت‌های منفور غربی و مزدوران آنها احساس همدردی می‌کنند!

آقای باهنر به‌جای تکیه بر تردید خود به صحیفه امام مراجعه می‌کردید!

محمدرضا باهنر، سخنان خود درباره موضع حضرت امام خمینی(ره) نسبت به اسرائیل را اصلاح کرد.

وی در برنامه «حضور» گفته بود: ما تا میانه سال ۸۵ مواظب ایران هراسی دنیا بودیم. متأسفانه از سال ۸۵ به بعد آن آقای رئیس‌جمهور آمد هولوکاست و این مسائل را مطرح کرد که بعد هم گفتند قطعنامه‌ها ورق پاره است و این حرف‌ها... من می‌خواهم بگویم ما یک مقداری در این ۲۰ سال اخیر از مسئله خنثی کردن ایران‌هراسی غفلت کردیم و شاید بعضی جاها برخی مقامات ما بنزین ریختند روی آتش ایران‌هراسی. عوض اینکه آب بریزند و توضیح بدهند در دنیا که ما اهل جنگ و خصومت و اهل لشکرکشی نیستیم و اهل دفاع از مظلوم هستیم.

وی افزوده بود: حتی من قدری تردید دارم که امام گفته باشند اسرائیل باید از بین برود. یک زمانی هم در شورای دفاع بحث شد که این، موضع نظام جمهوری اسلامی باشد یا نه؟ که حضرت امام(ره) فرمودند بگویید نه، آن طلبه گفته است. چون آن موقع می‌گفتند امام فرموده است صدور انقلاب و در بیرون از کشور، ایران‌هراسی راه انداخته بودند که ایران با توپ و تانک و لشکرکشی می‌خواهد انقلابش را صادر کند. امام توضیح دادند که ما اگر می‌گوییم صدور انقلاب، منظور صدور فرهنگی، اعتقادی، صدور فکری است، نه صدور نظامی».

این اظهارات در حالی بود که حضرت امام بارها درباره ضرورت نابودی رژیم صهیونیستی موضع گرفته و از جمله به صراحت فرموده بودند «اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود».

محمدرضا باهنر در پی انتقادهای انجام شده، اظهارات خود را اصلاح کرده و گفت: جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه رژیم صهیونیستی را به رسمیت نشناخته؛ نمی‌شناسد و نخواهد شناخت. اینکه ما رژیم صهیونیستی را به رسمیت نمی‌شناسیم و دشمن خود می‌دانیم کاملا طبیعی است، چون این رژیم اولا؛ یک رژیم جعلی و غاصب است و ثانیا؛ از ابتدای انقلاب تاکنون دشمنی‌های فراوانی علیه ملت ایران داشته و شهدای زیادی از ما گرفته است. حتی قبل از انقلاب هم در کنار رژیم شاه هر آنچه توانست علیه انقلابیون ایران انجام داد.

وی تصریح کرد: تردیدی نیست که امام خمینی(ره) در شهریور ۶۱ در حسینیه جماران بر محو رژیم صهیونیستی تاکید ورزیدند؛ تردید من از این منظر بود که ایشان آیا این جمله را سیاست اعلامی جمهوری اسلامی دانسته‌اند یا خیر.

محمدرضا باهنر رژیم منحوس و جعلی صهیونیستی را منشأ همه مفاسد و دشمنی‌ها در منطقه و جهان دانست و گفت: بنیانگذار جمهوری اسلامی به‌عنوان مرجعیت شیعه تاکید می‌کنند این رژیم منحوس باید از صفحه روزگار محو شود و همان‌گونه خلف صالح ایشان حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای نیز همین بینش را درخصوص رژیم جعلی صهیونیستی دارند.

ابراز تردید آقای باهنر درباره موضع حضرت امام در حالی بوده امام خمینی تاکید بر ضرورت نابودی اسرائیل را در جلسات علنی و عمومی عنوان کرده و پیگیر آن هم بوده‌اند.

به نظر می‌رسد سیاسیونی مانند آقای باهنر در چنین مواردی باید به‌جای تکیه بر تردید و فراموشی خود، به متن صحیفه امام و متن بیانات امام خمینی مراجعه کنند و موجب سوء تعبیر و تشکیک و سوءاستفاده بدخواهان نشوند.